

کودتای آمریکایی در تهران

● روزنامه‌ی نیویورک تایمز، روز شانزده ژوئن ۲۰۰۰، گزارش رسمی کودتای سی.آی.ا. در سال ۱۹۵۳ علیه محمد مصدق، نخست وزیر ایران را روی سایت اینترنت (۱) خود منتشر ساخت. در این گزارش نام اغلب دست اندر کاران ایرانی ماجرا حذف شده است، اما مشخصات اکثر آنان را می‌توان بر روی سایت دیگری یافت (۲). این سند پر جاذبه حاوی افشاگری‌های مهمی در رابطه با شیوه‌ی اجرای این عملیات است، و خواندن آن برای هر فردی که به مسائل داخلی ایران و یا سیاست خارجی آمریکا علاقمند است، ضروری است.

مارک گازیوروسکی*

منبع: فصلنامه "re de VoirèMani" (وابسته به لوموند دیپلماتیک)

برگردان: میترا شعبانی

پنجشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۸۲

در ماه اوت سال ۱۹۵۳، محمد مصدق، نخست وزیر ایران در پی کودتایی ساخته و پرداخته‌ی سی.آی.ا. سرنگون می‌شود. اما او چه جنایتی مرتکب شده است؟ ملی کردن نفت کشورش، که گویا با این کار وی زمینه‌ی "گذار آن به پشت پرده‌ی آهنین" را فراهم می‌سازد ...

روزنامه‌ی نیویورک تایمز، روز شانزده ژوئن ۲۰۰۰، گزارش رسمی کودتای سی.آی.ا. در سال ۱۹۵۳ علیه محمد مصدق، نخست وزیر ایران را روی سایت اینترنت (۱) خود منتشر ساخت. در این گزارش نام اغلب دست اندر کاران ایرانی ماجرا حذف شده است، اما مشخصات اکثر آنان را می‌توان بر روی سایت دیگری یافت (۲). این سند پر جاذبه حاوی افشاگری‌های مهمی در رابطه با شیوه‌ی اجرای این عملیات است، و خواندن آن برای هر فردی که به مسائل داخلی ایران و یا سیاست خارجی آمریکا علاقمند است، ضروری است.

این کودتا در دوره‌ی پر جوش و خروشی از تاریخ معاصر ایران و در اوج جنگ سرد بوقوع می‌پیوندد. در آن زمان محمد مصدق رهبر جبهه‌ی ملی، تشکیلاتی که در سال ۱۹۴۹ بنیان نهاده شده و در جهت ملی کردن صنعت نفت، که تا آن زمان تحت سلطه‌ی انگلیسی‌ها بود، و نیز دموکراتیزاسیون دستگاه سیاسی کشور، مبارزه می‌کند. مردم ایران نیز به تدریج با شور و هیجان بسیار پیرامون این دو محور عمده گرد آمده و جبهه‌ی ملی بسرعت به نیروی اصلی صحنه‌ی سیاسی ایران مبدل می‌شود. در سال ۱۹۵۱، شاه، محمد رضا پهلوی ناچار به ملی کردن صنعت نفت و انتصاب محمد مصدق به مقام نخست وزیری تن میدهد و بدینسان دولت ایران آشکارا رو در روی دولت بریتانیا قرار می‌گیرد. این دولت در مقابل به تدارک تحریم کامل نفت ایران پرداخته و تدابیری در جهت بر اندازی دولت مصدق در دراز مدت اتخاذ می‌کند.

ایالات متحده در آغاز مصمم به عدم مداخله است و انگلیسی‌ها را به تأیید روند ملی شدن و در عین حال اقدام به مذاکراتی برای رسیدن به مصالحه‌ای دوستانه دعوت می‌کند، تا آنجا که در سپتامبر ۱۹۵۱، مانع از حمله‌ی لندن به ایران می‌شود. برغم آنکه تعداد قابل توجهی از زمامداران آمریکایی اعتقاد داشتند که پافشاری مصدق باعث عدم ثبات سیاسی کشور شده و ایران را "در معرض خطر واقعی

گذار به پشت پرده‌ی آهنین" قرار می‌دهد (صفحه‌ی III گزارش)، موضع بیطرفانه ایالات متحده تا پایان دوره‌ی ریاست هاری ترومن، در ژانویه‌ی ۱۹۵۳، ادامه می‌یابد. در نوامبر ۱۹۵۲، اندکی پس از انتخاب ژنرال دوایت آیزنهاور به مقام ریاست جمهوری، مقامات بالای بریتانیایی به هم‌تاهای آمریکایی خود پیشنهاد می‌کنند که متفقاً کودتایی علیه مصدق به راه بیاندازند. اینان در پاسخ می‌گویند که دولت ترومن هرگز به چنین عملیاتی دست نخواهد زد، اما احتمالاً دولت آیزنهاور، که از ماه ژانویه زمام امور را بدست خواهد گرفت و مصمم به تشدید جنگ سرد است، می‌تواند این کار را انجام دهد.

روایت سی. آی. ا. بخوبی شیوه‌ی تدارک عملیات را منعکس می‌کند. پس از تأیید پرزیدنت آیزنهاور در ماه مارس ۱۹۵۳، افسران سی. آی. ا. به مطالعه‌ی روشهای رهبری کودتا و بویژه مسأله جایگزینی نخست وزیر می‌پردازند. آنان سریعاً در مورد فضل الله زاهدی، ژنرال بازنشسته‌ای که پیش از آنهم در توطئه‌های انگلیس شرکت جسته بود، به توافق میرسند. در ماه مه، یک مأمور سی. آی. ا. و یکی از متخصصین ایران در سرویس اطلاعاتی مخفی (اس. آی. اس) بریتانیا، مدت دو هفته در نیکوزیا (قبرس) روی نسخه‌ی ابتدایی طرح عملیات کار می‌کنند. مسئولین سی. آی. ا. و اس. آی. اس این طرح را مورد بازبینی قرار داده و سرانجام نسخه‌ی نهایی در اواسط ژوئن در لندن تنظیم می‌شود.

این طرح شامل شش مرحله اصلی است. نخست، آنتن ایرانی سی. آی. ا. و مهمترین شبکه‌ی اطلاعاتی بریتانیا در ایران، که در آن زمان توسط برادران رشیدیان اداره میشد، می‌بایست از طریق تبلیغات و دیگر فعالیت‌های سیاسی زیرزمینی به تضعیف دولت مصدق بپردازند. آنگاه فضل الله زاهدی شبکه‌ای از افسرانی قادر به پیشبرد کودتا را سازمان دهد. در مرحله‌ی سوم، سی. آی. ا. می‌بایست همکاری تعدادی کافی از نمایندگان مجلس را "خریداری نماید" تا از مخالفت قوه‌ی مقننه با مصدق اطمینان حاصل کند. سپس تلاشهایی جدی در جهت متقاعد ساختن شاه در حمایت از کودتا و نخست وزیری زاهدی صورت گیرد، حتی اگر از ابتدا کاملاً روشن بود که عملیات در هر حال، با رضایت شاه و یا بدون آن، انجام خواهد پذیرفت.

آنگاه سی. آی. ا. می‌بایست، به شکلی "تقریباً قانونی"، با براه انداختن یک بحران سیاسی که به سلب صلاحیت مجلس از مصدق بیانجامد، دولت وی را سرنگون سازد. این بحران در پی تظاهرات اعتراض آمیزی به ابتکار رهبران مذهبی، پا گرفته، شاه را متقاعد به ترک کشور کرده و جوی بوجود خواهد آورد که مصدق ناچار به استعفا شود. و سر انجام، اگر این اقدامات به شکست انجامیدند، شبکه‌ی نظامی فضل الله زاهدی با کمک سی. آی. ا. قدرت را بدست خواهد گرفت.

سه مرحله‌ی اول طرح در واقع همزمان با تدارک "طرح لندن" آغاز شدند. روز ۴ آوریل، شاخه‌ی سی. آی. ا. در تهران، یک میلیون دلار به منظور "سرنگونی مصدق" [به هر وسیله‌ای که شده] در یافت می‌کند. این شاخه از ماه مه، با کمک برادران رشیدیان، مبارزه‌ی تبلیغاتی بر علیه مصدق آغاز کرده و ظاهرآ، عملیات زیر زمینی دیگری را نیز علیه او سازمان می‌دهد. این تلاشها به شکل بارزی در هفته‌های ماقبل کودتا تشدید می‌شوند.

سی. آی. ا.، در ماه آوریل، با فضل الله زاهدی تماس گرفته و ۶۰۰۰۰ دلار (و شاید بسیار بیش از این)، به منظور "یافتن متحدین جدید و اعمال نفوذ بر شخصیت‌های کلیدی" به حساب او واریز می‌کند (صفحه‌ی ۱۵B). گزارش رسمی منکر آنست که افسران ایرانی نیز در این رابطه خریداری شده باشند؛ با این وجود مشکل بتوان تصور نمود که فضل الله زاهدی این پول را به مصرف دیگری رسانده باشد. دیری نخواهد پایید که سی. آی. ا. در مورد قابلیت‌های زاهدی دچار تردید شده و به "عدم قاطعیت و فقدان انرژی و استراتژی مشخص" وی پی می‌برد و در می‌یابد که او قدرت سازماندهی یک شبکه‌ی

نظامی قادر به رهبری کودتا را ندارد. لذا این وظیفه به یک سرهنگ ایرانی مأمور سی. آی. ا. سپرده می‌شود.

از اواخر ماه مه ۱۹۵۳، به شاخه‌ی سی. آی. ا. اختیار داده می‌شود تا هر هفته حدود ۱۱۰۰۰ دلار برای خرید همکاری نمایندگان مجلس صرف کند، امری که به شدت باعث رشد اپوزیسیون سیاسی علیه مصدق می‌شود. وی با فراخواندن نمایندگان وفادار بخود به استعفا برای ممانعت از رسیدن به حد نصاب برای رسمیت یافتن مجلس، واکنش نشان می‌دهد. لذا سی. آی. ا. برای مقابله با او سعی در متقاعد ساختن برخی از نمایندگان در امتناع از استعفا می‌نماید. اوایل ماه اوت، مصدق رفراندوم دستکاری شده‌ای را سازمان می‌دهد که طی آن مردم به شکلی گسترده به انحلال مجلس و برگزاری انتخابات جدید رأی می‌دهند. این امر مانع پیش برد نسخه‌ی "کم و بیش قانونی" طرح سی. آی. ا. می‌شود، اما این سازمان کماکان به تبلیغات خود برای نسبت دادن تقلبات انتخاباتی به شخص مصدق ادامه می‌دهد.

روز ۲۵ ژوئیه، سی. آی. ا.، یک روند طولانی "فشار" و "ارعاب" برای متقاعد ساختن شاه به حمایت از کودتا و پذیرش انتصاب فضل‌الله زاهدی به نخست وزیری را آغاز می‌کند. در طی سه هفته‌ی آینده، چهار تن از مأموران سی. آی. ا. همه روزه به منظور جلب همکاری شاه با وی ملاقات می‌کنند. روز ۱۲ و ۱۳ اوت، سرانجام او برغم تردیدهایش، رضایت می‌دهد و فرمان‌های خلع مصدق و انتصاب زاهدی به امضاء شاه می‌رسند. ظاهراً ملکه ثریا نقش مهمی در این امر داشته است.

روز ۱۳ ماه اوت، سی. آی. ا. به سرهنگ نعمت‌الله نصیری مأموریت می‌دهد تا فرمانهای زاهدی و مصدق را به آنان ابلاغ نماید. اما به درازا کشیدن مذاکرات با شاه به جنبه‌ی محرمانه‌ی عملیات خدشه وارد آورده و یکی از افسران درگیر، توطئه‌ی در شرف وقوع را افشا می‌کند. لذا در شب ۱۵ به ۱۶ اوت، قبل از ابلاغ فرمان اول، مصدق دستور دستگیری نصیری را صادر می‌نماید و در پی آن چند تن دیگر از توطئه‌گران نیز بازداشت می‌شوند. سی. آی. ا. که چنین احتمالی را از نیز مد نظر داشت، واحدهای نظامی هوادار زاهدی را برای تصرف نقاط حساس تهران آماده کرده بود. اما این افسران پس از دستگیری نصیری ناپدید شده و تلاش نخست کودتا به شکست میانجامد.

زاهدی و تعدادی دیگر از شخصیت‌های درگیر به مخفیگاه‌های سی. آی. ا. پناهنده می‌شوند. شاه به تبعید می‌گریزد، نخست به بغداد، سپس به روم، و کریمیت روز ولت، رئیس شاخه‌ی محلی سی. آی. ا. به واشنگتن اطلاع می‌دهد که کودتا شکست خورده است. وی اندکی بعد دستور توقف عملیات و مراجعت به ایالات متحده را دریافت می‌کند.

اما کریمیت روزولت و تیم او تصمیم می‌گیرند که به ابتکار تازه‌ای دست بزنند. آنان رو نوشت فرمان‌های شاه را به رسانه‌ها می‌دهند تا افکار عمومی را علیه مصدق برانگیزند. طی دو روز آینده، دو مأمور عمده‌ی ایرانی آنان نیز به یک سلسله عملیات "سیاه" در همان جهت دست می‌زنند. آنان به منظور تحریک ایرانیان مؤمن بر علیه مصدق، در قالب اعضای حزب کمونیست قدرتمند توده، اقدام به تهدیدات تلفنی شدید الحنی علیه رهبران روحانیت و همچنین "سوء قصدی ساختگی" به خانه‌ی یکی از روحانیون می‌نمایند. آنان در روز ۱۸ اوت، تظاهراتی برای برآوردن شرکت کنندگان آن خود را هوادار حزب توده قلمداد می‌کنند. به تحریک این دو مأمور ایرانی، تظاهر کنندگان دفاتر یک حزب سیاسی را غارت نموده، مجسمه‌های شاه و پدرش را سرنگون می‌کنند و بدین ترتیب تهران را دچار هرج و مرج می‌سازند. حزب توده، پس از پی بردن به این توطئه‌ها، به اعضای خود توصیه می‌کند که از خانه‌های خود خارج نشوند، امری که مانع از مقابله‌ی آنان با تظاهر کنندگان ضد مصدق که فردای

آنروز به خیابان‌ها میریزند می‌شود.

صبح روز ۱۹ اوت، اینان رفته رفته در حوالی بازار تهران اجتماع می‌کنند. گزارش سی. آی. ا. این تظاهرات را "تا حدی خود بخودی" توصیف می‌کند، اما می‌افزاید که "زمینه‌ی مساعدی که در پی حرکت سیاسی [سی. آی. ا.] ایجاد شده بود نیز در براه اندازی [تظاهرات] مؤثر بود". در واقع، افشای فرمانهای شاه، تظاهرات "ساختگی" توده‌ایها و سایر عملیات "سیاه" که طی روزهای گذشته به مرحله‌ی اجرا در آمده بودند، باعث جذب تعداد زیادی از ایرانیها به این تظاهرات شدند.

بدینسان تنی چند از اعضای ایرانی تیم سی. آی. ا. تظاهرات تهران را رهبری و واحدهای ارتش را متقاعد به پشتیبانی از آنان می‌کنند. اینان در عین حال جمعیت را به حمله به دفتر مرکزی حزب هوادار مصدق «ایران»، و به آتش کشیدن یک سالن سینما و چند دفتر مطبوعاتی تحریک می‌کنند. سپس واحدهای نظامی ضد مصدق به تدریج شهر تهران را در دست گرفته، ایستگاه‌های رادیویی و سایر نقاط حساس را به تصرف خود در می‌آورند. نبردهای شدیدی در می‌گیرد، اما سر انجام نیروهای هوادار نخست وزیر شکست می‌خورند. مصدق مخفی شده اما فردای همانروز خود را تحویل می‌دهد.

گزارش سی. آی. ا. دو پرسش اساسی را بی پاسخ می‌گذارد. نخست آنکه، ریشه‌های خیانتی که به شکست اولین اقدام کودتا انجامید را روشن نکرده است و آنرا تنها به "عدم رازداری یکی از افسران ارتش درگیر" نسبت می‌دهد. دوم آنکه این متن نه در مورد چگونگی تأثیر حرکت سیاسی سی. آی. ا. در تقویت سازماندهی تظاهرات ۱۹ اوت توضیح می‌دهد و نه در رابطه با اهمیت این حرکت در براه اندازی این تظاهرات. گزارشات دیگری که پس از مصاحبه‌های متعدد با دست اندرکاران درجه‌ی اول عملیات نوشته شده‌اند، ادعا دارند که تیم سی. آی. ا. به رهبران مذهبی نیز مبالغی پرداخت کرده است، البته احتمال دارد که این امر بدون آگاهی این رهبران از منشأ پول‌ها صورت گرفته باشد. گزارش سی. آی. ا. اما این روایت را نمی‌پذیرد. اکثریت قریب به اتفاق اشخاص درگیر در عملیات اکنون دیگر جان سپرده‌اند و سی. آی. ا. اذعان دارد که بخش اعظم آرشیه‌های مربوط به این عملیات را از بین برده است، و این پرسشها شاید برای همیشه بی پاسخ بمانند.

از جانب دیگر مشکل بتوان به منشأ افشاء این گزارش رسمی و به اهداف آن پی برد. تنها توضیح نیویورک تایمز در مقاله‌ی خود در ۱۶ آوریل ۲۰۰۰، آنست که این سند توسط "یکی از افسران قدیمی که نسخه‌ای از آنرا برای خود نگاه داشته بود" بدست این روزنامه رسیده است. همزمان با این انتشار، قریب یک ماه قبل از آن، مادلن آلبرایت، وزیر امور خارجه، طی سخنرانی مهمی در جهت بهبود روابط ایالات متحده و ایران، برای نخستین بار اقرار کرد که دولت آمریکا در کودتای ۱۹۵۳ در ایران نقشی فعال داشته است و از این بابت ابراز تأسف نمود(۳). بسیاری از ناظران معتقدند که این افشاگری عامدانه توسط دولت آمریکا و یا شخصی که مصمم به حمایت از ابتکار خانم آلبرایت بوده است، سازمان داده شده است. در این صورت اما، مشکل بتوان باور کرد که گزارش در تمامیت آن افشاء شده باشد، البته این امکان را نمی‌توان از نظر دور داشت.

* استاد علوم سیاسی دانشگاه لونیویانا

(۱) pdf.intro-cia-iran/mideast/world/library/com.nytimes.www

تاریخ این سند سال ۱۹۵۴ بوده و Wilber. Donald N آنرا امضاء نموده است.

(۲) [htm.iran-cia/org.cryptome://:http](http://htm.iran-cia/org.cryptome/)

تکنیک مورد استفاده‌ی نیویورک تایمز در این مورد کارایی نداشت، کافی بود تا از یک رایانه کند استفاده شود تا بتوان اسامی را قبل از آنکه باند سیاه پدیدار شود، خواند.

۳) روز نامه‌ی لو موند، ۲۰ مارس ۲۰۰۰